2شنبه 31/6/1404-29ربیع الاول 1447-22سپتامبر 2025- فقه الاداره -درس 9 فقه روابط سازمانی -

 **مسئله‌ی 9: خداشناسی موقنانه از وظائف اصلی کارکنان سازمان در مسیر تحقق عبودیت آنان است**

معلوم شد که عبودیت خالصانه‎ی کارکنان برای خدا باعث کفایت و لیاقت در تدبیر امور و نیز صیانت منافع و مصالح سازمان خواهد شد و بر آنان فرض است. این فتوا از فرموده‎ی امام سجاد  در حدیث بلند *رسالة الحقوق* از ثقه‌ی برگزیده، ابوحمزه ثمالی  است که در *تحف العقول* و کتب ثلاثه‌ی[[1]](#footnote-1) شیخ صدوق  نقل شده است. حضرت در مقدمه فرموده بود که حق الله کلید حل مشاکل عباد است. اکنون مسئله این است که ماهیت عبودیت چیست؟ امام صادق  سه حرف عبد را به علم، بون و دنو تفسیر یا تأویل می‌فرماید: علم به خدا، بون از غیر خدا و دنو و قرب به خدا بدون واسطه، کما قال : فالعین علّمه بالله و الباء بونه عمّن سواه و الدّال دنوّه من اللّه.[[2]](#footnote-2) حال یک اداره‌کننده یا خدمات‌دهنده را در نظر بگیریم که به این سه بعد از عبد ملتزم باشد. او بسیار موفق خواهد بود، یعنی عبودیت محضه و خالصه که در مسئله‌ی قبل مورد تفقه قرار دادیم و دارای آثار وضعی کفایت اداری و حفاظت منافع سازمانی بود، در فرمایش امروز به شکل راه‌کار مطرح می‌شود. اولاً علم به خدا است؛ علم حضوری [[3]](#footnote-3)به خدا و علم به این‌که او مدیر و مدبر و مالک هستی و آسمان‌ها و سازمان‌هاست. این علم به معنای یقین و به معنای قطع است. عالم به خدا یعنی موقن به خدا، رأی قاطع قلبی به این‌که او مالک و مدبّر من است، بدون اراده و اجازه‌ی او کاری پیش نمی‌رود، من مالک منابع مالی و مادی سازمان نیستم و من قوه‌ی تدبیر ندارم مگر به قوه‌ی تدبیر او.[[4]](#footnote-4) این علم اولین گام در عبودیت است، علم واجب به خدایی با اوصاف ذیل فی آیات الله:[[5]](#footnote-5)

1. فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ[[6]](#footnote-6) (علم به توحید در الوهیت)؛
2. اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزيزٌ حَكيمٌ (علم به عزت و حکمت او)؛
3. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقينَ (علم به همراهی او با مدیران پرهیزکار)؛
4. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ (علم به شدت عقاب و مجازات او)؛
5. اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (علم به رجوع جمعی به سوی او برای پاسخ گویی)؛
6. اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلاقُوهُ (علم به ملاقات با او برای گزارش عملکرد)؛
7. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَليمٌ (علم به دانایی مطلق او به همه‌ی اشیاء)؛
8. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ (علم به نظارت دائمی او بر عملکرد من)؛
9. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَليمٌ (علم به بخشش و بردباری او در مواقع لزوم)؛
10. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَميعٌ عَليمٌ (علم به شنوایی و دانایی او در همه‌ی امور)؛
11. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَميدٌ (علم به دارایی بی‌حد او و سزاوار ستایش بودن او)؛
12. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (علم به این‌که در وجود من همیشه حاضر است تا حشر)؛
13. اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ (علم به این‌که او را هیچ حیله و نقشه‌ای به عجز نمی‌آورد)؛
14. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها (علم به این‌که او احیاءگر همه است پس از مرگ).

همه‌ی این‌ها متعلق علم به خدا هستند که در حرف عین عبد نهفته است. در تمامی آیات فوق امر به کسب این علم شده است؛ یعنی علمی واجب و فریضه به نام خداشناسی به عنوان مبنای اصلی نظریه‌ی مدیریت اسلامی. اگر به شأن و عظمت و احاطه‌ی او معرفت و یقین نداشته باشیم، از مدیریت او جدا شده‌ایم در مدیریت و تدبیر نفس، منزل، مدینه و منظمه خود را مستغنی از او دانسته‌ایم که آغاز انحطاط فرد،گروه و سازمان است، والله العالم.

فتحصل که خداشناسی موقنانه از وظائف اصلی کارکنان سازمان در مسیر تحقق عبودیت آنان است.[[7]](#footnote-7)

1. نک: إبن بابویه، *امالی*، *من لایحضره الفقیه* و *خصال.* [↑](#footnote-ref-1)
2. در *مصباح الشریعة* آمده است هر یک از حروف کلمه‌ی عبد اشاره به حقیقتی از حقایق بندگی است. فالعین علمه بالله و الباء بونه عمّن سواه و الدّال دنوّه من اللّه؛ «عین» اشاره به علم و شناخت و معرفت بنده به خدا است. به فرموده‌ی امام صادق  کلمه‌ی عبد از سه حرف ع-ب-د تشکیل شده است. عین کنایه از علم و یقین بنده نسبت به خداوند متعال است. (امام جعفر بن محمد ، *مصباح الشریعة*، ج. ۱، ص. ۸) [↑](#footnote-ref-2)
3. علم حضوری به علمی گفته می‌شود که بدون واسطه شدن تصاویر و مفاهیم ذهنی حاصل شود، یعنی عالم (صاحب معرفت) خودِ واقعیتِ معلوم را نزد خودش بیابد. [علم](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%84%D9%85) ما به احساس ترس، درد و گرسنگی خود (هنگامی که این حالات را داریم) از همین نوع معرفت است؛ یعنی خود احساس ترس، درد و گرسنگی را بدون هیچ واسطه‌ای در نزد خود می‌یابیم و درک می‌کنیم. از این علم با عناوینی چون علم اشراقی، علم بی‌واسطه و علم وجودی نیز تعبیر شده است. در برابر علم حضوری، علم حصولی است. در این نوع علم، شئ خارجی مستقیماً مورد ادراک فرد ادراک‌کننده قرار می‌گیرد. به بیان دیگر عین خارجی، خودش مورد ادراک قرار می‌گیرد. در علم حضوری، موضوعات ذهنی و عینی اموری واحدند. علم حضوری عبارت است از شناخت چیزی بدون واسطه یا شناخت چیزی بدون واسطه‌ی حکایت‌کننده. برای نمونه هنگامی که انسان شاد است، آگاهی از این شادی بدون تصویر ذهنی است و در واقع بی‌واسطه و مستقیم است. این نوع از آگاهی را که در آن خودِ واقعیّتِ درک شده نزد ادراک‌کننده حضور دارد و واسطه و حائلی میان عالم و معلوم (مُدرِک و مُدرَک) نیست، «حضوری» می‌گویند. تقسیم علم به حضوری و حصولی، یک تقسیم عقلی است و به فیلسوفان اسلامی اختصاص دارد. تفاوت‌های علم حضوری با علم حصولی عبارت‌اند از: علم حضوری مربوط به شناخت قلبی است؛ امّا علم حصولی مربوط به شناخت عقلی است. علم حضوری علم به وجود شئ است؛ امّا علم حصولی علم به ماهیت شئ است. در علم حضوری واسطه‌ای بین عالم و معلوم وجود ندارد و معلوم نزد عالم حاضر است ولی علم حصولی به‌وسیله‌ی حصول صورت در ذهن حاصل می‌شود و بین عالم و معلوم واسطه وجود دارد. در علم حضوری وجود علمی معلوم عین وجود عینی آن است، در حالی که در علم حصولی وجود علمی معلوم غیر از وجود عینی آن است. علم حصولی برخلاف علم حضوری به تصور و تصدیق تقسیم می‌شود. علم حصولی برخلاف علم حضوری به درست و نادرست متصف می‌شود. علم حضوری ملاک برای عدم خطای علم حصولی است. همچنین علم حصولی بر سه قسمت است: 1. صورت شئ که به‌واسطه‌ی حس درک می‌شود، مانند ادراک اشیاء اطراف خود، علم‌الیقین است. 2. صورت شئ که به‌واسطه‌ی دیدار مستقیم از آن‌چه که در فکر ماست، عین‌الیقین است. 3. مفهوم شئ که به‌واسطه‌ی عقل درک می‌شود، مانند ادراک مفاهیم نفس و اشیاء اطراف خود، حق‌الیقین است.

به باور فلاسفه و صاحب‌نظران منشأ همه‌ی علوم و معرفت‌های انسان تجربه و علم حصولی است و در واقعیت چیزی به نام علم حضوری وجود ندارد. فلاسفه علم حضوری را رد می‌کنند و بر علم حصولی تأکید می‌ورزند؛ چرا که معتقدند علم انسان حتماً باید در قالب حکم و قضیه باشد. به تعبیر دیگر انسان نمی‌تواند علمی داشته باشد که در آن ارتباط مفاهیم لحاظ نشده باشد. [↑](#footnote-ref-3)
4. امام صادق  می‌فرماید: حقیقت عبودیت و بندگی سه چیز است: اوّل این‌که بنده در آنچه خدا بر او منّت گذاشته و بخشیده است برای خود مالکیّت نبیند، بدان جهت که بندگان را ملکی نیست، مال را مال خدا می دانند، و آن را در جایی که خدا فرموده است قرار می دهند. دوم: این‌که بنده خدا برای خودش مصلحت‌اندیشی و تدبیر نکند. سوم: این‌که تمام مشغولیاتش منحصر شود به آن‌چه که خداوند او را بدان امر نموده یا از آن نهی فرموده است. بنا بر این، اگر بنده‌ی خدا برای خودش ملکیتی را در آنچه که خدا به او سپرده است نبیند، انفاق نمودن بر او آسان می‌شود. و چون بنده‌ی خدا تدبیر امور خود را به مدبرش بسپارد، مصائب و مشکلات دنیا بر وی آسان می‌گردد. و زمانی که به آن‎چه خداوند به وی امر کرده و نهی نموده است اشتغال ورزد، دیگر فراغتی نمی‌یابد تا مجال و فرصت خودنمایی و فخر نمودن بر مردم پیدا نماید.از این رو چون خداوند بنده خود را به این سه چیز گرامی بدارد، زندگی در دنیا و نحوه‌ی برخورد با ابلیس و خلایق بر وی سهل و آسان می‎گردد. به انگیزه‎ی زیاده‎اندوزی و فخر و مباهات با مردم به دنبال دنیا نمی‎رود و آن‎چه را که از جاه و جلال و منصب و مال در دست مردم می‎نگرد، آن‎ها را برای عزت و علّو درجه‎ی خویشتن طلب نمی‎نماید و روزهای خود را به بطالت و بیهودگی نمی‎گذراند.

أَقُولُ وَجَدْتُ بِخَطِّ شَيْخِنَا الْبَهَائِيِّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ مَا هَذَا لَفْظُهُ قَالَ الشَّيْخُ شَمْسُ الدِّينِ مُحَمَّدُ بْنُ مَكِّيٍّ نَقَلْتُ مِنْ خَطِّ الشَّيْخِ أَحْمَدَ الْفَرَاهَانِيِّ 6 عَنْ عُنْوَانَ الْبَصْرِيِّ وَ كَانَ شَيْخاً كَبِيراً قَدْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعٌ وَ تِسْعُونَ سَنَةً قَالَ: كُنْتُ أَخْتَلِفُ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ سِنِينَ فَلَمَّا قَدِمَ جَعْفَرٌ الصَّادِقُ  الْمَدِينَةَ اخْتَلَفْتُ إِلَيْهِ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ آخُذَ عَنْهُ كَمَا أَخَذْتُ عَنْ مَالِكٍ فَقَالَ لِي يَوْماً إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَ مَعَ ذَلِكَ لِي أَوْرَادٌ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ وِرْدِي وَ خُذْ عَنْ مَالِكٍ وَ اخْتَلِفْ‏إِلَيْهِ كَمَا كُنْتَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهِ فَاغْتَمَمْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْ تَفَرَّسَ فِيَّ خَيْراً لَمَا زَجَرَنِي عَنِ الِاخْتِلَافِ إِلَيْهِ وَ الْأَخْذِ عَنْهُ فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ  وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ رَجَعْتُ مِنَ الْغَدِ إِلَى الرَّوْضَةِ وَ صَلَّيْتُ فِيهَا رَكْعَتَيْنِ وَ قُلْتُ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تَعْطِفَ عَلَيَّ قَلْبَ جَعْفَرٍ وَ تَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِهِ مَا أَهْتَدِي بِهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَ رَجَعْتُ إِلَى دَارِي مُغْتَمّاً وَ لَمْ أَخْتَلِفْ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ لِمَا أُشْرِبَ قَلْبِي مِنْ حُبِّ جَعْفَرٍ فَمَا خَرَجْتُ مِنْ دَارِي إِلَّا إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ حَتَّى عِيلَ صَبْرِي‏ فَلَمَّا ضَاقَ صَدْرِي تَنَعَّلْتُ وَ تَرَدَّيْتُ وَ قَصَدْتُ جَعْفَراً وَ كَانَ بَعْدَ مَا صَلَّيْتُ الْعَصْرَ فَلَمَّا حَضَرْتُ بَابَ دَارِهِ اسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَخَرَجَ خَادِمٌ لَهُ فَقَالَ مَا حَاجَتُكَ فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَى الشَّرِيفِ فَقَالَ هُوَ قَائِمٌ فِي مُصَلَّاهُ فَجَلَسْتُ بِحِذَاءِ بَابِهِ فَمَا لَبِثْتُ إِلَّا يَسِيراً إِذْ خَرَجَ خَادِمٌ فَقَالَ ادْخُلْ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ فَدَخَلْتُ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ السَّلَامَ وَ قَالَ اجْلِسْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ فَجَلَسْتُ فَأَطْرَقَ مَلِيّاً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ أَبُو مَنْ قُلْتُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ ثَبَّتَ اللَّهُ كُنْيَتَكَ وَ وَفَّقَكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا مَسْأَلَتُكَ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي مِنْ زِيَارَتِهِ وَ التَّسْلِيمِ غَيْرُ هَذَا الدُّعَاءِ لَكَانَ كَثِيراً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ مَا مَسْأَلَتُكَ فَقُلْتُ سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَعْطِفَ قَلْبَكَ عَلَيَّ وَ يَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِكَ وَ أَرْجُو أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَجَابَنِي فِي الشَّرِيفِ مَا سَأَلْتُهُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ وَ اطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ وَ اسْتَفْهِمِ اللَّهَ يُفْهِمْكَ قُلْتُ يَا شَرِيفُ فَقَالَ قُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكاً لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ يَرَوْنَ الْمَالَ مَالَ اللَّهِ يَضَعُونَهُ‏ حَيْثُ‏ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيراً وَ جُمْلَةُ اشْتِغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَاهُ عَنْهُ فَإِذَا لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِلْكاً هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ وَ إِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ إِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَ الْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ‏عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ إِبْلِيسُ وَ الْخَلْقُ وَ لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُراً وَ تَفَاخُراً وَ لَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزّاً وَ عُلُوّاً وَ لَا يَدَعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التُّقَى قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى‏ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذِينَ لا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لا فَساداً وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ‏ قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ أُوصِيكَ بِتِسْعَةِ أَشْيَاءَ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ اللَّهَ أَسْأَلُ أَنْ يُوَفِّقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ‏ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحِلْمِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْعِلْمِ فَاحْفَظْهَا وَ إِيَّاكَ وَ التَّهَاوُنَ بِهَا قَالَ عُنْوَانُ فَفَرَّغْتُ قَلْبِي لَهُ فَقَالَ أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْحَمَاقَةَ وَ الْبَلَهَ وَ لَا تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ وَ إِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا وَ سَمِّ اللَّهَ وَ اذْكُرْ حَدِيثَ الرَّسُولِ  مَا مَلَأَ آدَمِيٌّ وِعَاءً شَرّاً مِنْ بَطْنِهِ فَإِنْ كَانَ وَ لَا بُدَّ فَثُلُثٌ لِطَعَامِهِ وَ ثُلُثٌ لِشَرَابِهِ وَ ثُلُثٌ لِنَفَسِهِ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْحِلْمِ فَمَنْ قَالَ لَكَ إِنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ عَشْراً فَقُلْ إِنْ قُلْتَ عَشْراً لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً وَ مَنْ شَتَمَكَ فَقُلْ لَهُ إِنْ كُنْتَ صَادِقاً فِيمَا تَقُولُ فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَغْفِرَ لِي وَ إِنْ كُنْتَ كَاذِباً فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهَ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَ لَكَ وَ مَنْ وَعَدَكَ بِالْخَنَا فَعِدْهُ بِالنَّصِيحَةِ وَ الرِّعَاءِ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْعِلْمِ فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعَنُّتاً وَ تَجْرِبَةً وَ إِيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئاً وَ خُذْ بِالاحْتِيَاطِ فِي جَمِيعِ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ اهْرُبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرَبَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَ لَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ لِلنَّاسِ جِسْراً قُمْ عَنِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ نَصَحْتُ لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عَلَيَّ وِرْدِي فَإِنِّي امْرُؤٌ ضَنِينٌ بِنَفْسِي‏ وَ السَّلامُ عَلى‏ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدى‏. (مجلسی، *بحار الانوار* (طبع حروفی-مطبعة حیدری)، ج. ۱، ص. ۲۲۴) [↑](#footnote-ref-4)
5. وَ إِذْ قالَ إِبْراهيمُ رَبِّ أَرِني‏ كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتى‏ قالَ أَ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلى‏ وَ لكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبي‏ قالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلى‏ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتينَكَ سَعْياً وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزيزٌ حَكيمٌ. (البقرة : 260)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرامَ قِياماً لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ الْهَدْيَ وَ الْقَلائِدَ ذلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَليمٌ. (المائدة : 97)

الشَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْحُرُماتُ قِصاصٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقينَ. (البقرة : 194)

وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَريضاً أَوْ بِهِ أَذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ ثَلاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كامِلَةٌ ذلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ. (البقرة : 196)

وَ اذْكُرُوا اللَّهَ في‏ أَيَّامٍ مَعْدُوداتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ في‏ يَوْمَيْنِ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ. (البقرة : 203)

نِساؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنينَ. (البقرة : 223)

وَ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لا تُمْسِكُوهُنَّ ضِراراً لِتَعْتَدُوا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ لا تَتَّخِذُوا آياتِ اللَّهِ هُزُواً وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ ما أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَليمٌ. (البقرة : 231)

وَ الْوالِداتُ يُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كامِلَيْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلاَّ وُسْعَها لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوارِثِ مِثْلُ ذلِكَ فَإِنْ أَرادا فِصالاً عَنْ تَراضٍ مِنْهُما وَ تَشاوُرٍ فَلا جُناحَ عَلَيْهِما وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلادَكُمْ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ إِذا سَلَّمْتُمْ ما آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ. (البقرة : 233)

وَ لا جُناحَ عَلَيْكُمْ فيما عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّساءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ في‏ أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَ لكِنْ لا تُواعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلاَّ أَنْ تَقُولُوا قَوْلاً مَعْرُوفاً وَ لا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتابُ أَجَلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما في‏ أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَليمٌ. (البقرة : 235)

وَ قاتِلُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَميعٌ عَليمٌ. (البقرة : 244)

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّباتِ ما كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لا تَيَمَّمُوا الْخَبيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِآخِذيهِ إِلاَّ أَنْ تُغْمِضُوا فيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَميدٌ. (البقرة : 267)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ وَ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ. (المائدة : 98)

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اسْتَجيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاكُمْ لِما يُحْييكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ. (الأنفال : 24)

وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لا تُصيبَنَّ الَّذينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ. (الأنفال : 25)

فَسيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ أَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكافِرينَ. (التوبة : 2)

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً في‏ كِتابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلا تَظْلِمُوا فيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَ قاتِلُوا الْمُشْرِكينَ كَافَّةً كَما يُقاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقينَ. (التوبة : 36)

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قاتِلُوا الَّذينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لْيَجِدُوا فيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقينَ. (التوبة : 123)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. (الحديد : 17) [↑](#footnote-ref-5)
6. فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَ مَثْواكُمْ. (محمد : 19) [↑](#footnote-ref-6)
7. درس 9 *فقه الروابط* از سلسله‌ی *فقه الاداره*، 29 شهر ربیع الاول 1447. [↑](#footnote-ref-7)